

سه درس بزرگ از عاشورا

درس های عاشورا همواره زنده هست...



دکتر هادی وکیلی: درس های عاشورا همواره زنده، حیات بخش و حرکت آفرین است. هرچند واقعه کربلا در مکان و زمان خاصی رخ داده است، اما درس های آن به زمان و مکان خاصی محدود نمی شود و همواره الهام بخش و شورآفرین است.

این نکته ای است که حضرت امام خمینی (ره) نیز با این بیان که عاشورا باید به عنوان رویدادی تلقی شود که در طول تاریخ می تواند درس آموز بوده و پایه های ستم و استبداد را از بیخ و بن براندازد، از آن یاد کرده اند: «واقعه عظیم عاشورا از سال 61 هجری تا خرداد 42 و از آن زمان تا قیام حضرت بقیه الله ارواحنا لمقدمه الفداء، در هر مقطعی انقلاب ساز است.> (1) از این روی است که بسیاری از نهضت های سیاسی نظیر حرکت توابعین، مردم مدینه، قیام مختار، نهضت زید بن علی، قیام محمد نفس زکیه و ابراهیم فرزندان عبدالله و... تا قیام و نهضت مقدس ملت ایران به رهبری امام خمینی (ره) همه و همه با الهام از عاشورا سازماندهی شده اند.

اقبال لاهوری، استقلال و نجات پاکستان را مرهون قیام عاشورا دانسته و گاندی، نیز نهضت عاشورا را الهام بخش خود در رهایی هندوستان می داند. (2) در یک کلمه اگر نهضت بزرگ عاشورا را الگو و اسوه همه حرکت های حق طلبانه و عدالت خواهانه بدانیم سخنی به گزاف نگفته ایم. و در واقع همان گونه که نویسنده شهیر مصری، عباس محمود عقاد، تصریح کرده است: «نه تنها مسلمانان بلکه غیرمسلمانان از این حادثه درس جوانمردی، ایثار و مقاومت در برابر ستمگران گرفتند؛ از سفیر مسیحی که در همان مجلس یزید به او اعتراض کرد بگیریم تا برسیم به قرون میانه، تا روزگار خودمان.> (3)

عاشورا دانشگاهی است که همه طبقات از زن و مرد، کوچک و بزرگ، باسواد و بی سواد، سیاه و سفید، مسلمان و غیرمسلمان از استادان بنامی چون: حسین بن علی (ع)، قمر بنی هاشم و زینب کبری درس می آموزند و صد افسوس که ما تاکنون نتوانسته ایم ارزش های عاشورا را آنچنان که شاید و باید به منصف ظهور برسانیم و نه به جوامع جهانی بشناسانیم.

از میان انبوه درس های ارزشمندی که عاشورا به ما می آموزد از قبیل فداکاری و ایثار، صبر و استقامت، شهادت و شجاعت، تعهد و مسئولیت، صداقت و وفاداری، قاطعیت در راه هدف، دفاع از امامت و ولایت، دفاع و پاسداری از دین و ارزش ها، تولی و تبری، ستیز با ستم و ستمگران، افشای چهره دشمنان اسلام، توجه به معنویات حتی در جبهه جنگ، نفی نژادپرستی، توبه، دعا، استغفار، تسلیم در برابر خدا و قیام برای خدا، در این مقال به معرفی 3 درس بزرگ از قیام امام حسین (ع) بسنده می کنیم.

درس ستم ستیزی

ستیز با ستم و ستمگران به ویژه حاکمان ستم و برپایی عدل یکی از درس های عاشورا در عرصه رفتار سیاسی است. عاشورا به ما می آموزد که انسان مسلمان نمی تواند در برابر ستم و ستمگران سکوت کند و بی تفاوت بماند؛ اگر سکوت کرد در حکم همان ستمکار است. امام حسین (ع) در سخنانی در منزل «بیضه> در برابر سپاهیان حر فرمودند: «ای مردم! رسول خدا (ص) فرمود: اگر کسی حاکم ستمگری را ببیند که حلال خدا را حرام می کند، عهد و پیمان الهی را می شکند و با سنت رسول خدا مخالف است و با بندگان خدا به ستم و بیدادگری رفتار می کند، پس با گفتار و کردار در برابرش نایستد بر خداست که این فرد را نیز با همان حاکم ستمکار محشور کند.> (4)

آن بزرگوار سپس از اوضاع زمانه و ضرورت تبعیت مسلمانان از خویش چنین یاد می کنند: «مردم آگاه باشید که بنی امیه و اتباع آنها پیرو شیطانند و از پیروی و بندگی خدای بخشنده سرپیچی کرده اند، فساد و تباهی را آشکار ساخته اند و حدود الهی را تعطیل کرده اند و اموال مردم را به خود اختصاص داده اند. حرام خدا را حلال و حلال را حرام کرده اند. من از هر کس شایسته ترم که وضع موجود را تغییر دهم... پس لازم است از روش من پیروی کنید زیرا عمل من برای شما حجت و سرمشق است...> (5)

از سخنان یاد شده 2 نکته اساسی استفاده می شود: مبارزه با ستمگران و متجاوزان به حدود و قوانین دین، واجب است. این برنامه باید سرلوحه زندگی امت اسلامی در امروز و فردای زندگیشان باشد. سکوت در برابر حاکم ستم، گناهی بس بزرگ و در حد گناه ستمکار است.

در فرهنگ اسلامی، مسلمان عزیز است و هرگز نباید تن به ذلت و خواری بدهد. ذلت و خواری با مسلمانی قابل جمع نیست. بنابراین، مسلمانی که ذلت را پذیرفته مسلمانی‌اش کامل نیست. بر این اساس 2 نوع زندگی خواهیم داشت: زندگی ذلیلانه و زندگی عزتمندانه. زندگی عزتمندانه در پرتو پذیرش ولایت خدا و اولیای خدا و زندگی ذلیلانه در پرتو پذیرش ولایت کفر و شرک و دشمنان خداست. هرگونه پندار و رفتاری که مسلمانان را ذلیل، ناکارآمد و ناتوان جلوه دهد از نظر امام حسین(ع) محکوم است. بر همین اساس قرآن کریم می‌فرماید: «یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا عدوی و عدوکم اولیاء؛ ای مؤمنان، دشمن من و دشمن خود را به ولایت بر نگیرید.« (6)

عزت در سخن و عمل امام حسین(ع) به نحو بارزی تجلی دارد. او مرگ با عزت را زندگی و زندگی با ذلت را عین مرگ می‌دانست و از همین رو یکی از شعارهای امام حسین(ع) در روز عاشورا این بود: الموت خیر من رکوب العار و العار خیر من دخول النار؛ مرگ از پذیرش ننگ بهتر و ننگ از ورود در آتش سزاوارتر است.« (7)

و نیز آن بزرگوار در روز عاشورا می‌فرمود: «این ناکس پسر ناکس مرا به پذیرش یکی از 2 کار ناچار کرده است؛ یا شمشیر کشیدن و کشته شدن و یا پذیرش ذلت. ذلت از خاندان ما به دور است. هیئات که ذلت و زبونی را اختیار کنم. نه خدا به ذلت من راضی است، نه رسول خدا و نه مؤمنان و نه دامن‌های پاکی که مرا تربیت کرده‌اند. همچنین مردان غیرتمند و آزاده، کشته شدن را بر پیروی از انسان‌های پست ترجیح می‌دهند.« (8)

آن بزرگوار در جای دیگری می‌فرماید: «والله لا اعطیکم بیدی اعطاء الذلیل و لا افر فرار العبید؛ به خدا سوگند همانند افراد فرومایه تسلیم شما نمی‌شوم و مانند بردگان نیز فرار نمی‌کنم.«

سخنان و رفتار امام حسین(ع) برای همه شیعیان به‌ویژه کارگزاران نظام اسلامی این درس را با خود دارد که آنان باید تمامی هم و غم خود را مصروف این مهم کنند که امت اسلامی هم در عرصه ملی و هم در عرصه بین‌المللی به عزت شهره آفاق شوند و هم در مسیر زندگی دنیوی و هم در مسیر زندگی اخروی به عزت نفس، اتصاف یابند.

درس جمع بین سیاست و معنویت

جمع بین حضور در عرصه‌های سیاسی و توجه به معنویات یکی دیگر از درس‌های عاشورا است. غفلت از نیازهای روحی و معنوی به‌ویژه برای مسئولان و مدیران امور، خطرناک و خطرآفرین است؛ امام حسین(ع) آن هنگام که رویاروی دشمن ایستاده و حتی آن هنگامی که در محاصره دشمنان است، هرگز از این مسئله غفلت ندارد. از این روی، در تاریخ آمده است که در شب عاشورا در میان خیمه امام حسین(ع) جنب‌وجوش عجیب و نشاط فوق‌العاده‌ای به چشم می‌خورد؛ یکی مشغول دعا و مناجات با خداست و آن دیگری مشغول تلاوت قرآن: «لهم دوی کدوی النحل بین قائم و راکع و ساجد.« (9) و هنگام حمله دشمن در عصر تاسوعا امام حسین(ع) به قمر بنی هاشم می‌فرماید: «به سوی آنان برو و اگر توانستی امشب را مهلت بگیر تا به نماز و استغفار و مناجات با پروردگارمان بپردازیم. خدا می‌داند که من به نماز و تلاوت قرآن و استغفار و مناجات با خدا علاقه شدید دارم.« (10)

از این درخواست در آن موقعیت به خوبی می‌توان به اهمیت معنویت و خودسازی پی برد. این کار امام(ع) بیانگر آن است که هرگز نباید به دلیل کار و گرفتاری زیاد از خودسازی و توجه به معنویات غفلت کرد. به همین جهت هم حضرت زینب کبری(ع) در برابر دشمنانی که پس از واقعه کربلا واکنش ایشان را به طعنه جویا می‌شدند اینطور پاسخ دادند که جز زیبایی ندیدم. حتی مقام شهادت آگاهانه حضرت سیدالشهدا(ع) و خاندان و یاران او را نیز باید در همین خصلت جمع بین سیاست و اصلاح‌طلبی با معنویت و عرفان جست‌وجو کرد. در کنار همه این شواهد، نیم نگاهی به دعای کبیر عرفه از آن حضرت پیش از خروج از خانه خدا و رهسپاری به سوی دیار شهادت، عمق عشق و عرفان و معنویت ایشان به محبوب ازلی را نمایان می‌سازد.

پی نگاشت‌ها:

- 1) صحیفه نور، ج 16، ص 179.
- 2) درسی که حسین(ع) به انسان‌ها آموخت، شهید هاشمی نژاد، ص 447، انتشارات فراهانی.
- 3) مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی امام خمینی و فرهنگ عاشورا، ج 2، ص 610، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- 4) تاریخ الامم و الملوك، طبری، ج 4، ص 304.
- 5) همان.
- 6) ممتحنه، آیه 1.
- 7) مناقب ابن شهرآشوب، ج 4، ص 68، بحارالانوار، ج 44، ص 192، ج 45، ص 50.

- (8) تحف العقول، ص 249.
- (9) سخنان حسین بن علی (ع)، نجمی، ص 209.
- (10) الارشاد، ص 240.